



Vol. 12 | Issue. 43 | 2025 |

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

<https://doi.org/10.22034/jpti.2025.522414.1426>

Unity in the Conduct and Management of Prophet Muhammad (PBUH); A Civilizational Model for Contemporary Society

Arman Forouhi 

Assistant Professor, Department of Iranian Studies, Faculty of Humanities, University of Meybod, Meybod, Iran.

A.Forouhi@meybod.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article Received: 2025 /02 /23 Revised: 2025 /04 /03 Accepted: 2025 /04 /08 Published Online: 2025 /04 /20	The personality traits and managerial performance of the Prophet Muhammad (PBUH) in preventing various political and social crises during the Prophetic era serve as a model and example for the present society. From a holistic perspective and by studying the Prophet's biography, it becomes clear that reducing social and political tensions during the Prophetic era was centered around the concept of unity, which was promoted by the Prophet (PBUH). Based on this, the present study aims to answer the question of what kind of model can be derived from the examples of unity in the Prophet's life in the Medinan period for contemporary society. The research findings indicate that when Muslims migrated to Medina and entered a new civic environment, it led the Prophet (PBUH) to focus on establishing the foundation of Islamic unity and cohesion from the very beginning, across various sectors of the Islamic community. The construction of a mosque with the participation of all Muslims, the signing of a public covenant, and the establishment of brotherhood among the early Muslims in Medina promoted empathy, unity, and cohesion, based on shared interests such as ensuring public security, well-being, prosperity, and creating organizational structures for the Prophetic government. This support allowed the Prophet (PBUH) to succeed in the battles (Ghazawat) and military expeditions (Sarayas), and by establishing pacts with tribes in the 9th year of Hijra, the puzzle of Islamic unity and empathy was completed. This article, written with a descriptive-analytical approach, relies on earlier library sources. Keywords: Unity, Prophet Muhammad (PBUH), Medina, Islamic Civilization, Sireh.



دوره ۱۲ | شماره ۴۳ | بهار ۱۴۰۴

<https://doi.org/10.22034/jpti.2025.522414.1426>

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

وفاق در سیره و مدیریت حضرت محمد(ص)؛ الگوی تمدنی برای جامعه معاصر

آرمان فروهی

استادیار گروه ایران‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه میبد، میبد، ایران.

A.Forouhi@meybod.ac.ir

چکیده	اطلاعات مقاله
سیره شخصیتی و عملکرد مدیریتی رسول‌الله در پیشگیری از مسائل و بحران‌های مختلف سیاسی و اجتماعی عصر نبوی برای جامعه حال حاضر الگو و سرمشق محسوب می‌شود. در نگاه کلی‌نگر و با مطالعه سیره آن حضرت، کاهش تنش‌های اجتماعی و سیاسی عصر نبوی با محوریت برقراری وفاق از سوی پیامبر(ص) بوده است. براین اساس، در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که از مصادیق وفاق در سیره رسول‌الله در عصر مدنی می‌توان چه الگویی برای جامعه معاصر اخذ کرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ورود مسلمانان به مدینه و قرارگیری در فضای مدنی جدید، رسول‌الله را به این سمت سوق داد که زمینه اتحاد و وفاق اسلامی را از همان ابتدا و در ارکان مختلف جامعه اسلامی فراهم کند. ساخت مسجد با مشارکت همه مسلمانان، انعقاد پیمان‌نامه عمومی و عقد مواخاه در همان ابتدای حضور رسول‌الله در مدینه همدلی، اتحاد و وفاق را با تکیه بر علایق و منافع مشترک همچون تأمین امنیت عمومی، رفاه، آبادانی و ایجاد سازوکار تشکیلاتی برای دولت نبوی فراهم کرد. این پشتوانه موجب آن شد که رسول‌الله در غزوات و سرایا بتواند موفق عمل کند و با برقراری پیمان با قبایل در سال نهم هجرت پازل همدلی و وفاق اسلامی تکمیل شود. جستار حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع متقدم کتابخانه‌ای نگاشته شده است.	نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۹ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۱/۳۱ صفحات: ۷۹-۹۸
کلیدواژه‌ها: وفاق، حضرت محمد(ص)، مدینه، تمدن اسلامی، سیره.	

مقدمه

تنش و درگیری فکری- اجتماعی در عصر کنونی به جزء لاینفک زندگی تبدیل شده است. با افزایش تنش‌ها و درگیری‌ها در سطح جامعه و زندگی روزمرهٔ حال حاضر، بحران‌های اجتماعی و فرهنگی و به‌ویژه اخلاقی بیش‌ازپیش خود را نمایان می‌سازد. گسست‌های اخلاقی و خلأ معنوی در روابط فردی و اجتماعی انسان‌ها، موجبات بحران‌های روحی را فراهم کرده است و واگرایی اجتماعی و خلوت‌گزینی به‌عنوان سبک رایج برخی جوامع امروزی در پیش گرفته شده است. در این فضا معرفی الگو و سبک زندگی معتبر در عرصه‌های رفتاری و اجتماعی از مقتضیات زمانی و درمان حیاتی جامعه به شمار می‌رود. سیرهٔ نبوی و سبک زندگی رسول‌الله می‌تواند همان حلقهٔ مفقودهٔ جامعهٔ حال حاضر ما باشد که الگوگیری از آن می‌تواند وضعیت جامعه را به سامان برساند.

سیرهٔ رسول‌الله در ابعاد گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی قابل بررسی و توجه است. ایشان در طی دوران عصر مکی و نبوی توانستند الگویی رفتاری و اجتماعی برای مسلمانان ارائه دهند که تا عصر حاضر قابل بهره‌برداری و الگوگیری است. از این جهت، بر اساس نص صریح قرآن کریم «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱) پیامبر^(ص) به‌عنوان اسوهٔ حسنه و الگوی رفتاری برای جهانیان معرفی شده است که با تمسک به سیره و سنت آن بزرگوار می‌توان از مسیر ناهموار و پیچیدهٔ زندگی به تکامل و سعادت رسید و از خودپرستی، جهل و هلاکت دوری جست.

همچنین بررسی و مطالعهٔ وجوه گوناگون سیرهٔ عملی و نظری پیامبر^(ص) در ارائهٔ حیات طیبه و نحوهٔ صحیح جامعه در راستای وفاق جمعی می‌تواند یاری‌گر باشد و در پی آن زمینهٔ بسیاری از ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی ناسازگاری‌ها، تعارض منافع، زیاده‌خواهی‌ها و غیره از بین برود.

وفاق و همدلی به‌عنوان فضیلت اخلاقی و بستر مناسب برای همزیستی مسالمت‌آمیز را در جامعه حاضر فراهم می‌آورد. از این مسیر توجه به مبانی و اصول اخلاقی وفاق مورد تأکید رسول‌الله در سیره و سنت می‌تواند مورد توجه باشد که پژوهش حاضر با محوریت و پیرامون این بحث قوام خواهد گرفت.

۱. پیشینه پژوهش

در ارتباط با پیشینه پژوهش می‌توان برخی کتب و مقالات را مطرح کرد. حمیدی در مقاله «سیاست‌گذاری محیط شهری پیامبر^(ص) راهبردی کارآمد بر تحقق وفاق اجتماعی» (۱۴۰۲) با تکیه بر انتظارات مدنی جامعه مسلمانان مدینه، وفاق و همگرایی در زمینه مسائل کالبدی و اجتماعی شهر مدینه را معیاری برای برقراری زیست مؤمنانه قرار داده است. در این ارتباط ایجاد نظام شهروندی بر بنیان اشتراکات امت اسلامی، مبارزه با باورهای اختلاف‌برانگیز و تأکید بر قوانین و معاهدات و نفی نژادپرستی را در سیره رسول‌الله ملاک قرار داده است. اثر توانسته است جنبه‌های وفاق را در ابعاد از سبک مدیریتی حضرت محمد^(ص) بیان کند. با وجود این، بر جنبه‌های مناسبات دوگانه حکومت با مردم و تأثیر آن بر وفاق اشاره نکرده است. برخی آثار دیگر همچون جعفریان در «حکمت انتخاب محل مسجدالنبی در مدینه» (۱۳۸۵) و داداش‌نژاد در «بررسی نکات اساسی وفود در سیره نبوی» (۱۳۸۵) نیز صرفاً یک بُعد از مسئله حاضر را بر اساس روند تاریخی بررسی کرده‌اند که نسبت آن با وفاق و همبستگی اسلامی مورد سنجه قرار نگرفته است. در این جستار ضمن مفهوم‌شناسی وفاق به مصادیق آن در سیره سیاسی و فرهنگی رسول‌الله در مقاطع زندگی ایشان به‌ویژه عصر مدنی پرداخته خواهد شد تا از این رهگذر بتوان الگویی تمدنی برای عصر حاضر ترسیم کرد و از آن بهره گرفت.

۲. مفهوم‌شناسی وفاق

مفهوم وفاق در ابعاد گوناگون قابل توجه است و ویژگی‌های معنایی مختلفی از آن برداشت می‌شود. وفاق در معنای لغوی همدلی، همراهی، سازگاری، موافقت، یکدلی و یک‌جهتی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص ۲۳۲۱۸). همچنین در کتب معانی و لغت دیگر نیز بر همین معنا تأکید شده است. این واژه به لحاظ مفهومی نیز بر همبستگی، تعاون و همکاری اذعان دارد و پذیرش قواعد عمومی و در رفتارها، منش و تحرکات اجتماعی را مدنظر قرار می‌دهد و در دو بُعد معنای کاربردی و اخلاقی است که اندیشه و تفکر یک وظیفه را در بر می‌گیرد. از منظر دیگر نیز وابستگی رفتاری نیز وفاق وابستگی و ارتباط موجود در ارتباط میان اجزای یک ساختار را مورد توجه و بررسی قرار می‌دهد. در این ارتباط، چلبی وفاق را این‌گونه تعریف

کرده است که توافق جمعی بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی است که در بستر تعاملی که موجب انرژی عاطفی است، شکل می‌گیرد و این انرژی خود دربردارنده علت و معلول توافق اجتماعی است (چلبی، ۱۳۷۲، ص. ۱۷).

اصطلاح وفاق را اولین بار اگوست کنت از مشاهیر جامعه‌شناسی در قرن نوزدهم میلادی وارد زبان علوم اجتماعی کرد. از منظر وی وفاق ساختاری ضروری است که ساختارهای اجتماعی بر پایه آن شکل می‌گیرد (آرون، ۱۳۸۶، ص. ۴۷). وقتی ساختار جامعه بر پایه وفاق شکل می‌گیرد، اشخاص و گروه‌های اجتماعی که حس پیوند و قرابت در میان آن‌ها وجود دارد از طریق پیوندهای محکم، علایق با یکدیگر و منافع مشترک متحد می‌شوند و این موضوع به نفع جامعه است که مسیر تعالی و ترقی را طی کند (اسکیدمور، ۱۳۷۲، ص. ۳۸).

از منظر گولد، وفاق به معنی اتحاد جمع و صف‌بندی و همچنین یکپارچگی است (گولد و کلب، ۱۳۷۶، ص. ۹۰۵). یکی دیگر از جامعه‌شناسان اضافه می‌کند که وفاق نشان‌دهنده پذیرش مدل‌ها و ارزش‌های اجتماعی از سوی همگان است که پایه یک زندگی مثبت را شکل می‌دهد و فروپاشی آن سبب فروریزی و بی‌ساختاری جامعه می‌شود (پیرو، ۱۳۷۵، ص. ۱۷۷). در وفاق تأکید جدی بر حضور ارادی و آزادانه شهروندان در انجام وظایف در جنبه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی است که هماهنگی و همفکری داوطلبانه همراه می‌شود (صالحی امیری، ۱۳۸۸، ص. ۹۵). پیشرفت جوامع انسانی در وجود همین تعامل‌های اجتماعی است که در گرو یک همدلی و وفاق صورت می‌گیرد. این مفهوم با وجود این دارای پیچیدگی است که وفاق در جوانب اجتماعی چند پهلوست. از آن جهت وفاق که با انسان و جامعه در ارتباط است، با نظم و انضباط ارتباط مستقیم پیدا می‌کند (چلبی و دیگران، ۱۳۷۸، ص. ۳۰). وفاق در مفهوم اجتماعی خود نیز توافقی بر ارزش، هنجارها و الگوهای رفتاری جامعه است که همگان بر آن توافق دارند. البته این مسئله بر اساس ارزش‌های مشترک و نزدیکی فرهنگی خود را نمایان می‌کند.

در آیه ۲۶ سوره نبا وازه وفاق بر موافقت و هماهنگی «جَزَاءٌ وَفَاقًا» تأکید دارد. در اندیشه و نگاه اسلامی وفاق زیرساخت جامعه محسوب می‌شود که بر الفت و همدلی اساس آن قرار دارد. وفاق همچنین هدیه آسمانی یاد شده است که باید در حفظ آن کوشید. در این زمینه

در نهج البلاغه آمده است: «خداوند سبحان بر جماعت این امت منت نهاد که ریسمان الفت و همدلی را میان آنها استوار ساخت، الفت و مهربانی که در سایه آن جابجا می‌شوند و در سایه حمایت آن آسوده می‌شوند. این نعمت را هرگز ارزش آن را نمی‌شناسید؛ این نعمت از هر بهایی ارزشمندتر و از هر شأن و مقامی والاتر و گهربارتر است» (امام علی، ۱۳۸۰، خطبه ۱۹۲) در جایی دیگر نیز وفاق را در مقابل تفرقه و نفاق شرح داده است که «مبادا در دین دورویی ورزید که همبستگی و وحدت در راه حق گرچه کراهت داشته باشید از پراکندگی در راه باطل بهتر است؛ زیرا خداوند سبحان نه به گذشتگان خود و نه به آیندگان چیزی را با تفرقه عطا نفرموده است» (امام علی، ۱۳۸۰، خطبه ۱۷۶). براین اساس، خداوند در جامعه بشری، نفاق و تفرقه را مبنا و اساس قرار نداده است و بخشش و اهدای نعمت را با تکیه بر دوری از تفرقه قرار داده است. در سیما و سنت عصر نبوی نیز موارد متعددی بر وفاق تأکید دارد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۳. مصادیق وفاق در سیره رسول الله

در عصر نبوی رسول الله سیاست‌های اثرگذاری را در بخش فرهنگی و اجتماعی پایه‌گذاری کرد تا از طریق آن بتواند جامعه را بر اساس الگوی الهی سامان دهد. وفاق اجتماعی در طی حضور رسول الله در مدینه جنبه‌ها و جلوه‌های گوناگونی داشت که در ذیل مباحث آن خواهد آمد.

۳-۱. ساخت مسجدالنبی

هجرت پیامبر^(ص) از مکه به مدینه سرمنشأ تحول اساسی در تاریخ اسلام به شمار می‌رود. حضور در فضای جدید با شرایط جدید، طبعاً اقتضائات متفاوتی را نیز در برمی‌گیرد. از این منظر، حکومت نوپای نبوی نیاز به مکان فیزیکی برای برقراری قوانین خاص خود داشت. پیامبر^(ص) در زمان ورود به مدینه از سوی قبایل گوناگون دعوت شد که در میان آنها پیاده شود و اقامت بگیرد. ایشان در مقابل درخواست آنها اشاره فرمودند که «من مأورم در محلی بمانم که محله‌های دیگر را در برمی‌گیرد». در انتخاب این محل مرکزیت حائز اهمیت بوده است و از سوی دیگر، اشراف آن بر سایر نقاط قابل توجه بوده است. همچنین ایشان با رها کردن افسار

شترها برای یافتن انتخاب محل مسجد اذن الهی را معیار دانستند. محلی که در نهایت رسول الله پیاده شدند و مکان مسجد النبی شد، محله بنی مالک بن نجار بود که دایی های آن حضرت در آن سکونت داشتند. هاشم جد رسول الله در زمان سفر به شام در آن ناحیه مانده بود و از آنجا زنی گرفته بود که عبدالمطلب محصول این ازدواج بود؛ بنابراین بنی نجار دایی های آن حضرت به شمار می رفتند و آن مکان آگاهانه از سوی رسول الله برگزیده شد (جعفریان، ۱۳۸۵، ج ۱، صص. ۳۰۳-۳۰۲).

انتخاب مکان مناسب برای اولین پایگاه سیاسی پیامبر (ص) مهم بوده است و این موضوع را می توان از تنوع نژادی قبایل و گروه های اجتماعی ساکن در مدینه متوجه شد. در مدینه قبایل مهم و مشهور اوس که شامل بنی عبدالاشهل، بنی زعور و بنی ظفر در قسمت های شرقی، شمال شرقی و شمال مدینه اسکان داشتند و در نواحی غربی و مرکزی نیز خزرجی ها سکونت داشتند (مکی، ۱۳۷۵، صص. ۸-۹). همچنین گروه بندی اعتقادی متفاوتی در مدینه وجود داشت که برای پیامبر (ص) می توانست بحران ایجاد کند و انتخاب راهکار مناسب در برابر آن مهم بود.

حضور اقوام یهودی در یثرب به مهاجرت آن ها از سرزمین فلسطین برمی گشت که در مناطق جنوبی به نام بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه سکونت داشتند. آن ها به جهت آنکه بر شریان های اقتصادی و تجاری و کشاورزی شهر یثرب مسلط بودند، در تحولات شهر می توانستند اثرگذار باشند و از سوی دیگر با دشمنان رسول الله، یعنی قریش نیز مناسبات اقتصادی و تجاری داشتند. دو قبیله اوس و خزرج نیز قبایل مهم ساکن در مدینه بودند که در بسیاری مسائل با یکدیگر متحد بودند؛ ولیکن در برخی رقابت های اقتصادی و سیاسی دچار اختلاف و حتی جنگ می شدند (ابن رسته، ۱۳۶۵، ص. ۶۹). در این فضای اجتماعی مدینه، رسول الله اولین تلاش خود را مبتنی بر ساخت مسجد به عنوان پایگاه سیاسی حکومت نوپای خود کرد. زمین مسجد متعلق به دو یتیم به نامه ای سهل و سهیل بود که پیامبر (ص) تا زمان ساخته شدن مسجد به دعوت ابویزید خالد بن زید انصاری در منزل او مستقر شد (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص. ۴۹۸). مشارکت و وفاق اجتماعی را می توان در انتخاب مکان و در ساخت آن به روشنی دید که رسول الله سعی کرد مکان اولین پایگاه سیاسی خود را زمینه همگرایی و اتحاد بین مهاجرین و انصار فراهم کند. آن حضرت شخصاً در ساخت مسجد

تلاش می‌کرد و این موجب همراهی بیشتر مسلمانان می‌شد (طبری، ۱۴۰۹، ج ۲، ص. ۳۹۷). نما و ساخت مسجد بسیار ابتدایی بود و ستون‌های آن از درخت خرما و سقف آن شاخه‌های خرما بود و در قسمت شرقی مسجد نیز رسول‌الله حجره‌هایی برای خود ساخت (ابن سعد، بی‌تا، ج ۱، ص. ۲۴۰).

رسول خدا در مسجد ضمن برقراری نمازهای پنج‌گانه، به اداره امور مربوط به مسلمانان نیز می‌پرداخت. همچنین ارسال نیروهای نظامی و پذیرش نمایندگان قبایل در مسجد صورت می‌گرفت. برقراری قضاوت بین مردم و حل و فصل خصومت‌ها و منازعات بین مردم نیز انجام می‌شد. مسجد مکان علمی و فرهنگی نیز محسوب می‌شد و در امور عمومی و جنگ و صلح نیز به‌عنوان مکان مشورتی مسلمانان بود (فراتی، ۱۳۹۰، ص. ۶۸). مسجد در دوران پیامبر^(ص) مرکزیت عبادی، سیاسی و نظامی داشت و با توجه به تمرکز وظایف، مسئولیت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در آن نقش اساسی در شکل‌دهی جامعه اسلامی داشت و اولین گام مؤثر در ایجاد وفاق و همدلی اسلامی به شمار می‌رفت.

۲-۳. پیمان‌نامه عمومی

در ماه‌های نخست حضور رسول‌الله در مدینه در جهت شکل‌گیری و همگرایی وفاق میان گروه‌های اجتماعی ساکن در مدینه برقراری پیمان‌نامه عمومی مورد توجه قرار گرفت. سروسامان دادن به اوضاع اجتماعی، تحکیم وحدت اجتماعی و ایجاد نظام شهروندی از جمله اهداف برقراری پیمان‌نامه عمومی میان انصار، مهاجرین و یهودیان بود (منتظرالقائم، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۰). حضور قبایل مختلف و طوایف متعددی که در مدینه زندگی می‌کردند و سنت‌های جاهلی بر زندگی آن‌ها حکم‌فرما بود، موجب آن می‌شد که نزاع‌ها و اختلاف‌ها همیشگی و پرمایه باشد. همچنین قبایل یهودی ساکن در منطقه نیز با مسلمانان دچار تعارض منافع بودند و زمینه اختلاف میان آن‌ها وجود داشت. آنچه در این زمینه اهمیت داشت، حل و فصل اختلافات نه با مراجعه به رؤسا و متنفذان محلی، بلکه از طریق ارجاع به خداوند و رسول ایشان بود. باوجود آنکه تا پیش از این چنین مسئله‌ای در جامعه جزیره العرب مشاهده و انجام نشده بود؛ ولیکن ثمرات خود را در دولت رسول‌الله نشان داد. جامعه آن روزگار مسائل خاص خود را داشت و لازم بود تا بر اساس قوانین قرآن و دستورات پیامبر^(ص) و همچنین شرایط و مصالح

جامعه نیز در نظر گرفته شود و بر اساس آن قوانینی منضبط برای اداره جامعه لحاظ شود (جعفریان، ۱۳۸۶، صص. ۴۳۸-۴۳۷). پیمان نامه نظرات و منافع تمام گروه های درگیر در آن زمان را در برمی گرفت تا ضامن امنیت اجتماعی شود. این پیمان نامه جامعه ای جمع گرا مبتنی بر منافع را ایجاد کرد، به گونه ای که حقوقی برابر به شهروندان اعطا کرد. این سند نخستین گام اساسی بر پایه و اساس درک اجتماعی بود و از این جهت نخستین قانون اساسی مدون و مکتوب در جهان بود که سرمایه عظیمی برای تمدن اسلامی محسوب می شود (زرگری نژاد، ۱۳۸۱، ص. ۵۲).

در قسمتی از پیمان نامه عمومی آمده است: «به نام خداوند بخشنده مهربان. این نامه ای است از محمد (ص) فرستاده خداوند میان مؤمنان و مسلمانان از قریش و یثرب و کسانی که از آنان پیروی کرده و به آنان پیوسته اند و با آنها کارزار می کنند. اینان امت واحدی هستند و مانند سایر مردم نیستند. مؤمنان پرهیزکار باید بر ضد کسی که علیه ایشان دسیسه کند یا درصدد ظلم و تعدی بر آید یا میان مؤمنان فتنه و فساد برپا کند، نیروی خود را دسته جمعی علیه او به کار ببرند؛ اگرچه از فرزندان خودشان باشند» (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص. ۵۰۱).

با نگاهی به مفاد متعدد این عهدنامه، درمی یابیم که بسیاری از جنبه های اجتماعی با هدف ایجاد همگرایی و وفاق در نظر گرفته شده اند. در این عهدنامه در ارتباط با یهودیان آورده شده است که مسلمانان و یهودیان مانند یک امت خواهند بود و در برگزاری مراسم های دینی آزاد هستند. در هنگام وقوع جنگ در برابر دشمن مشترک متحد خواهند شد. در صورت وقوع حمله به مدینه، هر دو گروه مسلمانان و یهودیان برای دفاع از شهر تلاش می کنند و مخارج جنگ را مشترک می پردازند. همچنین مدینه حرم است و هر نوع خونریزی در آن حرام است. هیچ کس از مشرکان یثرب مال و جانی از قریش را پناه نداده و بر ضد مؤمنی آنها را یاری نخواهد کرد. هر کس از یهودیان از ما پیروی کند، نسبت به او نیکی و یاری خواهد داشت و بر آنها ستم نخواهد شد. آخرین داور در هنگام اختلاف و نزاع محمد رسول الله خواهد بود (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص. ۵۰۳).

بر اساس این پیمان نامه پیروزی عظیمی نصیب رسول الله و دولت وی شد به گونه ای که نظام همکاری، تعاون و وفاق اجتماعی پدید آمد. پیامبر (ص) دولتی را بنیان گذاشت که حق حاکمیت سیاسی و قضایی از سوی خداوند استوار شده است و اطاعت از رسول خدا را همچون

اطاعت از خداوند می‌دانست. خطر بالقوه یهود که اسلام را مورد پذیرش قرار نمی‌دادند، در کوتاه‌مدت از بین رفت. همچنین مسلمانان و یهودیان در راستای یک پیمان ناگزیر به حمایت و دفاع از حکومت اسلامی شدند (منتظرالقائم، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۲). در بندهای متعدد این پیمان‌نامه بر تشکیل امت واحده تأکید شده است و در چهارچوب آن به دنبال این نکته است که انسجام و نظم داخلی قبیله را نشان دهد. همچنین محدود کردن یهودیان در ایجاد نفاق و اختلاف در میان مسلمانان را مورد تأکید دارد که از تماس گرفتن با مشرکان و تجارت با آنها منع شده بودند که اتحاد آن‌ها را ناممکن می‌کرد و از این جهت فرصت مناسب برای نشر دعوت اسلامی به شمار می‌رفت (احمدی میانجی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص. ۲۶۱).

مسلمانان تا پیش از انعقاد پیمان‌نامه فقط بر اساس ایمان خود از رسول‌الله تبعیت می‌کردند؛ اما اکنون وفاداری خود را نسبت به اصولی مشخص ابراز کردند و از لحاظ روحی بر اساس ضوابط جدید آمادگی بیشتری برای عمل در راستای آرمان‌های حکومت اسلامی داشتند (جعفریان، ۱۳۸۶، ص. ۴۴۲). در این پیمان‌نامه موضوعات اخلاقی متعددی مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ از جمله رعایت نیکی و داد‌گری، جبران خسارات، جلوگیری از خون‌ریزی، تحذیر از پیمان‌شکنی، توصیه به همبستگی و اصلاح اجتماعی و همچنین توصیه به تعاون و وفاق که بیشترین فراوانی را در این موضوع دارند. این موضوع نشان می‌دهد که اهمیت مکارم اخلاق در دین اسلام قابل توجه است. اصلاح جامعه نیز از طریق توجه به مسائل اخلاقی شکل می‌گیرد و قانون اساسی شکل گرفته در جامعه نبوی بر اساس حقوق، وظایف و اخلاق و دین‌مداری است که پیامبر^(ص) را به عنوان رهبری اخلاقی - سیاسی در جامعه نمایان می‌کند. هدف رسول‌الله نیز از انعقاد این پیمان‌نامه صلح و ائتلاف بوده و منافع جمعی را بر منافع قبیله‌ای برتری داده که ضمانت اجرایی پیمان‌نامه نیز نصایح اخلاقی و جزای اخروی قید شده است و نه حد و تعزیرات اسلامی (زاجکانی و ظریفیان، ۱۴۰۲، صص. ۱۳۳-۱۳۱).

پیمان‌نامه عمومی مقدمات تشکیل وحدت سیاسی و حکومتی دینی را فراهم آورد و همچنین تلاش و کوشش حضرت محمد^(ص) را برای ایجاد حساسیت مشترک دینی و ملی از شاخص‌ترین راه‌حل‌های آن حضرت در جهت تحقق وحدت اسلامی به شمار می‌رود (حسینی، ۱۳۸۷، ص. ۲۲۱). ابن‌خلدون نیز در ادامه می‌افزاید که «این سند نشان می‌دهد که مردم این شهر

واحد سیاسی جدیدی را که همان امت یا جامعه باشد، تشکیل می‌دادند. در این مورد رجحان و برتری نظامی حضرت محمد (ص) نبود که مردم را به سوی او جلب می‌کرد و آنان را به قبول وی وامی‌داشت؛ بلکه آنچه مؤثر بود مقام پیامبری او بود. پس اساس این جامعه بر اصول دینی پایه‌گذاری شده بود» (ابن خلدون، ۱۴۰۸، ج ۱، صص. ۱۸۸-۱۸۷).

سنخ‌شناسی موضوعات در پیمان‌نامه عمومی مدینه نشان می‌دهد که موضوعات سیاسی - مدنی با ۵۵ درصد فراوانی، موضوعات اخلاقی با ۳۵٪ و موضوعات مذهبی با ۱۵٪ فراوانی بیشترین موارد مورد تأکید در عهدنامه را دارند. در مسائل سیاسی - مدنی حقوق مساوی هم‌پیمانان، حفظ سنت پسندیده دیه و فدیة، قوانین جنگ، سنت جوار، یکپارچه کردن جامعه، قانون قصاص، ضمانت امنیت حرم بیشترین فراوانی را در این موضوع دارد. این موضوع نشان می‌دهد این پیمان‌نامه در پی آن بوده است که قوانینی را وضع نماید که بیش از هر چیز به بهبود امور زندگی اهل مدینه کمک کند و همچنین دشمنی با قریش را میان هم‌پیمانان برجسته کند (زاجکانی و ظریفیان، ۱۴۰۲، صص. ۱۳۳-۱۳۱).

در پیمان‌نامه عمومی مدینه بر استقلال قبایل اعم از یهودیان و مسلمانان تأکید شده است و با لحاظ کردن امت واحده بر وجود دین اسلام و یهود نیز توجه شده است. آن حضرت، امت را به چشم قبیله‌ای بسیار بزرگ می‌نگریست و برای ایشان همان روش‌های قبیله‌ای طبیعی به نظر می‌رسید (آرمسترانگ، ۱۳۸۶، ص. ۳۱۰). پیامبر (ص) درصدد برنیامد که ساختار قبیله را ملغی اعلام کند؛ بلکه تلاش کرد تا با طرح قالب وسیع‌تر و بزرگ‌تر همان امت، قبیله را نیز در آن قرار دهد و همچنین بدون هیچ تعارضی تمامی استعدادها و انرژی‌های نهفته در الگوی قبیله را در راستای اهداف گسترش دولت خود استخدام کند (زرگری نژاد، ۱۳۷۸، ص. ۱۰۶؛ فیرحی، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۸). بسیاری از آداب و رسوم و سنت‌های عرب و قبیله جامعه جاهلیت مانند حق جواز و اعطای پناهندگی، فدیة اسیران، سنت هم‌پیمانی (موالی) قبیله‌ای، سنت ثار (خونخواهی) که سنت‌های مورد تأیید رسول‌الله بود، برخی مفاد پیمان‌نامه را تشکیل می‌داد (زرگری نژاد، ۱۳۷۸، ص. ۱۰۷).

موضوعات مذهبی پیمان‌نامه عمومی است که شامل مفاهیم مهمی همچون مشروعیت قوانین به دلیل ضمانت خدا و پیامبر (ص)، برتری دادن مؤمن بر کافر، برتری هم‌پیمانان در پناه

بردن بر خدا و به رسمیت شناختن دین هم‌پیمانان است. شاخصه مفاهیم مذهبی در پیمان‌نامه عمومی نشان می‌دهد که مفاهیم مبتنی بر رابطه انسان و خداست و قانون را با کلمات دینی تبیین کرده است. رسول‌الله در این بُعد در کنار دعوت به اسلام بر راستی و درستی آیین خود و حقوق شهروندی اقلیت‌های مذهبی به نحو شایسته به رسمیت شناخت و زمینه همزیستی مسالمت‌آمیز مردم را در کنار هم فراهم نمود (زاجکانی و ظریفیان، ۱۴۰۲، صص. ۱۳۴-۱۳۲).

۳-۳. پیمان مواخات

رسول‌الله از آغاز ورود به مدینه، وحدت و برابری اسلامی را راه‌حلی مناسب برای ایجاد امت واحده می‌دانستند و بر ضرورت اتحاد نیروهای مسلمان در نزاع با دشمنان را احساس کرده بودند و فرمان خدا را مبتنی بر دوستی و مهربانی و وفاق میان مسلمانان و برادری و برابری نیز مورد همت و توجه قرار دادند. این پیمان نخست میان مهاجران و سپس میان انصار و مهاجرین برقرار شد (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص. ۲۷۰). همچنین منابع آورده‌اند که هیچ مهاجری بدون برادر باقی نمانده است و عقد خواهری نیز در برخی کتب آمده است که حضرت زهرا^(س) نیز با ام سلیم عقد خواهری برقرار کرده است (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، صص. ۴۰۱-۴۰۰). در برقراری این پیمان برادری، نژاد و طبقه اجتماعی و اقتصادی مدنظر نبوده است و برابری و وحدت ملاک عمل قرار گرفته است. عقد اخوت ابوبکر با عمر بن خطاب، حمزه با زید بن حارثه، عثمان و عبدالرحمن بن عوف، زبیر و ابن مسعود، عبیده بن حارث با بلال و رسول‌الله با حضرت علی^(ع) در منابع آمده است (ابن سعد، بی‌تا، ج ۳، ص. ۵۶؛ سمهودی، ۲۰۰۶، ج ۱، ص. ۲۶۸؛ ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۹، ص. ۱۳۹). پیامبر^(ص) دست حضرت را بالا گرفت و فرمود، این هم برادر من است (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص. ۵۰۵). این موضوع از فضیلت حضرت علی نزد رسول‌الله حکایت دارد.

ایشان برای برقراری وفاق و اتحاد میان مهاجرین و انصار دستور داد تا برادران به هنگام عقد برادری، نام خود، پدر و قبیله خود را برای همدیگر بگویند (ابن سعد، بی‌تا، ج ۶، ص. ۱۳۰). یکی از مفاد این پیمان ارث بردن از یکدیگر بود که پس از جنگ بدر و بر اساس آیه ۷۵ سوره انفال به دستور قرآن لغو گردید (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص. ۳۱۸). کینه‌های دیرینه جاهلی مانعی برای استحکام پیوندهای اجتماعی و سبب گسستن رشته‌های برادری و درنهایت سلب امنیت

در جامعه است؛ از این رو، قرآن نیز پاک‌سازی دل را از کینه و حسد، حلقه وصلی برای امنیت و نعمت برادری می‌داند (حسینیان مقدم، ۱۳۹۰، ص. ۷۰). در این ارتباط، در آیه ۴۵ و ۴۶ سوره حجر آمده است: «با سلامت و ایمنی در آن داخل شوید و آنچه کینه در سینه‌های آنان است، برکنیم، برادرانه بر تخت‌هایی رو به روی یکدیگر نشسته‌اند».

پیامبر اسلام بر اساس بینش انسانی و الهی خود، از جمله اهداف رسالت خویش را ایجاد رابطه برادری میان مسلمانان در سایه وحدت و وفاداری می‌دانست؛ امری که موجب تقویت قدرت دفاع از دین اسلام می‌شد. همچنین او تلاش می‌کرد تا فاصله‌های طبقاتی و نژادی رایج در عصر جاهلیت را که بر ارزش‌های آن زمان سایه افکنده بود، از میان مسلمانان برچیند. وضعیت اقتصادی و اجتماعی مهاجرین نیز در این وضعیت حائز اهمیت بود. از آنجا که آنان از خانه و کاشانه خود دست به هجرت زده بودند و دارایی اقتصادی خود را از دست داده بودند؛ عملاً نیاز به حمایت معنوی و مادی حاکمیتی داشتند. رسول‌الله با درک این وضعیت، زمینه ایجاد امت اسلامی را از طریق برقراری الفت و وفاق میان مردم فراهم ساخت و با کمک انصار، پیوند برادری میان مهاجرین و انصار را در مدینه تحکیم بخشید (بهرامی، ۱۳۸۵).

از مهم‌ترین اهداف این پیمان می‌توانست تأکید بر ایجاد اخوت ناشی از ایمان به خداوند باشد. این مسئله در کاستن از قدرت حلف‌ها و پیمان‌های جاهلی اهمیت زیادی داشت به‌ویژه آنکه این پیمان بر اساس حق بود، در حالی که پیمان‌های جاهلی منفعت قبیله ملاک بود. ایجاد روحیه تعاون و وفاق و الفت همگانی و اتحاد جامعه بر اساس پیمان برادری زمینه‌ساز تقویت بنیه اسلامی شد (جعفریان، ۱۳۸۶، ص. ۴۳۵).

هدف نهایی رسول‌الله از برقراری اخوت دینی میان مسلمانان، توسعه بینش برادری و برابری اسلامی بود، به گونه‌ای که تلاش کردند در اخوت حریم‌های برتری‌طلبی و اشرافیت خواهی کنار رود. در کنار هم قرار گرفتن اقشار مختلف جامعه در کنار هم نشانه آشکاری از فروریختن دیوارهای بلند غرور و یکسان شدن افراد با یکدیگر و تلاشی برای ایجاد جامعه مبتنی بر عدالت بود. اشرافیت مکه بیش از هر چیز از این مسئله وحشت داشت؛ ولی در عین حال جامعه اسلامی و پیامبر (ص) به عنوان رهبر الهی به آن مباهات می‌کرد (بهرامی، ۱۳۸۵). پیمان مواخات از جمله راهبردهای مهم رسول‌الله در بهره‌گیری از عامل وحدت دینی به شمار می‌رفت. از سوی

دیگر، پیمان‌نامه عمومی بخشی از راهکارهای ایجاد حساسیت مشترک دینی بود که بیشتر جنبه عمومی، فراگیر و ملی داشت و در جهت القای پیوستگی دینی و حساسیت مشترک ملی بین آحاد مردم مدینه بود. با وجود این پیمان برادری، حساسیت مشترک باید به اوج بالندگی خود برسد؛ به این معنا که پیوند عمومی با پیوستگی ویژه حلقه ایمانی مؤمنان، هم باید تقویت شود و هم به عنوان تضمینی برای پایداری و دوری از آفات شقاق و پراکندگی عمل کند (حسینی، ۱۳۸۷، ص. ۲۲۳).

۴-۳. پیمان با قبایل

سال نهم هجری در عصر نبوی به عنوان «عام الوفود» شناخته می‌شود. در تاریخ دوره پیامبر اسلام، «وفود» به گروه‌هایی اطلاق می‌شود که به عنوان نمایندگان و فرستادگان سیاسی نزد پیامبر (ص) آمده بودند. این گروه‌ها با پذیرش حاکمیت حکومت مدینه، در برابر پیامبر سر تسلیم فرود می‌آوردند و با او پیمان‌هایی می‌بستند. تعداد این وفودها را حدود ۷۰ مورد برشمرده‌اند. این رخداد زمانی اتفاق افتاد که پیامبر (ص) سلطه‌ای فراگیر بر سراسر جزیره العرب یافته بود، مشرکان قریش را شکست داده بود و دین اسلام در بیشتر مناطق گسترش یافته بود (داداش نژاد، ۱۳۸۵، ص. ۳۸۵).

آنچه در پذیرش اسلام از سوی قبایل و گروه‌های سیاسی اهمیت ویژه‌ای داشت، پذیرش آن از جانب قبیله قریش بود؛ چراکه سایر قبایل عرب در این زمینه چشم به قریش داشتند. از نظر آنان، قریش پیشوا، زعیم و راهنمای سایر قبایل و صاحب‌خانه کعبه و حرم بود. با فتح مکه و تسلیم بزرگان قریش، اعراب دریافتند که دیگر توان مقابله با رسول‌الله را ندارند؛ از این رو، با پذیرش اسلام، نمایندگان را به سوی حکومت مدینه فرستادند (صالحی شامی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۵۴). در منابع تاریخی آمده است که برخی بزرگان قبایل تصریح کرده‌اند پذیرش اسلام آنان تنها به این دلیل بود که مبادا به عنوان «شر العرب» (بدترین عرب‌ها) شناخته شوند (ابن سعد، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳۸). این ابراز اسلام، آشکارا صادقانه نبود؛ بلکه بیشتر قبایل در برابر شرایط جدید، چاره‌ای جز تسلیم نداشتند. رسول‌الله نیز میان «اسلام» و «ایمان» تفاوت قائل می‌شدند. بسیاری از این افراد تنها تسلیم شده بودند، بی‌آنکه اسلام را از عمق عقل درک کرده یا از

صمیم قلب پذیرفته باشند (جعفریان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۵۴). در این زمینه، آیه ۱۴ سوره حجرات نیز به روشنی اشاره دارد: «اعراب بادیه نشین گفتند: ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده‌اید، بلکه بگویید: تسلیم شده‌ایم؛ چرا که هنوز ایمان در دل‌هایتان وارد نشده است. و اگر خدا و پیامبرش را اطاعت کنید، از پاداش اعمالتان کاسته نمی‌شود؛ چرا که خداوند آمرزنده و مهربان است». اهداف متعددی را می‌توان برای پذیرش و برقراری وفود در دوران پیامبر (ص) برشمرد. از جمله مهم‌ترین اهداف، پذیرش اسلام و آشنا ساختن قبایل با احکام، شرایع، مسائل معنوی و تعالیم دین جدید بود. پیامبر (ص) برای قبایل مختلف، زمینه‌های آشنایی با اسلام را فراهم می‌ساخت. برای نمونه، برای قبیله ثقیف خیمه‌ای در مسجد برپا کرد تا از نزدیک شاهد خواندن قرآن و نماز گزاردن مسلمانان باشند (صالحی شامی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۹۶). وفد ثقیف همچنین خواهان امتیازاتی ویژه و معافیت از برخی فرایض دینی بودند. آنان درخواست لغو تحریم زنا، ربا و شراب و همچنین معافیت از نماز و غسل به دلیل سردی محل سکونت خود را داشتند؛ اما پیامبر (ص) با هیچ‌یک از این درخواست‌ها موافقت نکرد (صالحی شامی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۹۸). از دیگر نمونه‌ها، برخورد پیامبر (ص) با وفد قبیله کنده بود. ایشان پس از اسلام‌آوری آن‌ها، بلافاصله دستور داد لباس‌های حریر را از تن درآورند. درباره وفد ثقیف نیز، پس از پذیرش اسلام، پیامبر از آنان خواست روزه بگیرند (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۵۴۱؛ ج ۲، ص ۵۸۵).

پیامبر (ص) همچنین از قبایل مسلمان‌شده می‌خواست که پس از بازگشت به سرزمین‌های خود با بت‌پرستی مبارزه کرده و بت‌های خود را نابود کنند. برای نمونه، حضرت محمد (ص) به وفد ثقیف دستور داد بت‌لات را از بین ببرند. اگرچه آنان درخواست داشتند که این کار تا سه سال به تأخیر افتد، پیامبر (ص) با درخواست آنان موافقت نکرد و تنها اجازه داد که بت به وسیله فرستادگان مسلمان از میان برداشته شود، نه به دست خود افراد قبیله (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۵۴۰).

از مهم‌ترین تبعات سیاسی انعقاد پیمان‌های وفود با نمایندگان سیاسی قبایل، برقراری صلح و بیعت‌ستانی در راستای گسترش اسلام بود. افرادی که اسلام را می‌پذیرفتند، در جایگاه مساوی با دیگر مسلمانان قرار می‌گرفتند و از تمامی حقوق برابر برخوردار می‌شدند. در پیمان‌نامه‌هایی

که منعقد می‌شد، مسئله «امان» جایگاه ویژه‌ای داشت؛ به گونه‌ای که قبایلی که تحت امان قرار می‌گرفتند، مورد تعرض دیگر قبایل قرار نمی‌گرفتند و امنیت آنان تضمین می‌شد. بیعت‌ها نیز معمولاً بر اصولی چون اقامه نماز، مبارزه با شرک، و پرداخت زکات صورت می‌گرفت تا چهارچوب‌های اصلی دین اسلام تثبیت و نهادینه شود (داداش نژاد، ۱۳۸۵، صص. ۴۰۶-۴۰۴).

رسول‌الله در برابر تقاضاهای مالی، درخواست‌های سیاسی و حتی برخی زیاده‌خواهی‌های قبایل، از جمله مشارکت در قدرت سیاسی، ایستادگی می‌کردند و با واگذاری امتیازات ناعادلانه به قبایل مخالفت می‌نمودند. قبیله بنی‌حنیفه از جمله قبایلی بود که خواستار تقسیم قدرت سیاسی میان خود و پیامبر^(ص) بود؛ اما آن حضرت بر تمرکز قدرت و وحدت رهبری تأکید داشتند (ذهبی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۶۸۳؛ ابن سید الناس، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۲۹۲). با وجود آنکه قبایل تحت انقیاد سیاسی و مذهبی پیامبر^(ص) قرار می‌گرفتند، ساختار سنتی و روابط دیرینه میان عشایر، قبایل، و ساکنان روستاها و شهرها همچنان پابرجا باقی ماند. با این حال، فردی که از سوی حکومت مرکزی به‌عنوان امیر یا رئیس یک قبیله تأیید می‌شد، موظف بود از دستورات دولت مدینه تبعیت کرده و ارتباط خود را با آن حفظ نماید (محمدی و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۲۴۶). براین اساس، پیمان‌های پیامبر با قبایل، نه تنها نظم سیاسی جدیدی پدید آورد، بلکه منجر به شکل‌گیری وفاق اسلامی شد؛ وفاقی که نقش مهمی در ایجاد اتحاد و یکپارچگی میان مسلمانان ایفا کرد.

نتیجه‌گیری

عصر نبوی از جنبه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، ظرفیت‌های ارزشمندی برای الگوگیری در جامعه امروزی مسلمانان دارد. پیامبر^(ص) به‌عنوان «اسوه حسنه» در رفتار و سنت، مجموعه‌ای از میراث الهی را برای اهل‌بیت خود به یادگار گذاشتند که می‌توان از آن در روزگار حاضر بهره‌مند شد. وفاق یکی از کلیدواژه‌های بنیادین در سیره و مدیریت حضرت محمد^(ص) به‌شمار می‌رود، که نمودهای آن را می‌توان در سرتاسر عصر نبوی مشاهده کرد. مدینه با حضور پیامبر^(ص) و گروهی از مهاجران، به فضایی نو و متفاوت نیاز داشت؛ فضایی که به‌واسطهٔ درایت و آینده‌نگری آن حضرت پدید آمد. ساخت مسجد با مشارکت مهاجران و انصار را می‌توان نخستین اقدام جدی در راستای تحقق وفاق و اتحاد اسلامی دانست. پس از آن، پیامبر^(ص) تلاش کرد با ایجاد همگرایی و وفاق میان ساکنان اصلی مدینه و مهاجران، بستر شکل‌گیری دولت نوپای اسلامی را فراهم سازد. یهودیان، به‌عنوان دیگر ساکنان مدینه، بالقوه تهدیدی برای دولت نبوی به‌شمار می‌رفتند؛ اما پیامبر^(ص) با انعقاد پیمان‌هایی مبتنی بر برادری و هم‌پیمانی، آنان را در زمینه‌های اجتماعی مشترک، همچون حفاظت از شهر و تأمین امنیت، در چهارچوب اهدافی مشترک قرار داد.

عقد «مواخات» نیز همچون عهدی درونی، موجب نزدیکی دل‌ها و دیدگاه‌های مسلمانان به یکدیگر شد و فاصله‌های نژادی و طبقاتی را از میان برداشت. ثمرهٔ این پیوند درونی، وفاق و اتحاد اسلامی‌ای بود که پشتوانه‌ای برای پیامبر^(ص) فراهم ساخت تا زمینهٔ تفوق سیاسی و نظامی خود را در برابر قریش ایجاد کند. پس از فتح مکه و تسلط کامل بر جزیرهٔ العرب، پیامبر^(ص) قبایل دیگر را نیز به خود نزدیک ساخت و با آنان پیمان‌های دوستی در راستای پذیرش اسلام منعقد کرد که این روند، پذیرش اسلام را در میان قبایل تسریع نمود. بهره‌گیری از سنت رسول‌الله در به‌کارگیری وفاق و اتحاد اسلامی، می‌تواند زمینه‌ساز استمرار حاکمیت سیاسی اسلام و تقویت همدلی در میان مسلمانان باشد. این رویکرد، ابزاری مؤثر برای مواجهه با بحران‌ها و موانع پیش روی گسترش فکری و فرهنگی جوامع اسلامی معاصر به‌شمار می‌آید.

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۸۶). *مراحل اساسی سیراندیشه در جامعه‌شناسی*. ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- آرمسترانگ، کارن (۱۳۸۶). *زندگینامه پیامبر اسلام*. ترجمه کیانوش حشمتی، تهران: انتشارات حکمت.
- ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد (۱۴۰۸ ق). *تاریخ ابن خلدون*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن رسته (۱۳۶۵). *الاعلاق النفیسه*. ترجمه حسین قره چانلو، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ابن سعد، محمد (بی تا). *طبقات الکبری*. بیروت: دار صادر.
- ابن سید الناس، محمد بن عبدالله (۱۴۰۶ ق). *عیوه الاثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر*. بیروت: مؤسسه عزالدین.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ ق). *الاستیعاب فی معرفة الاصحاح*. تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: دارالجلیل.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ ق). *مختصر تاریخ دمشق ابن عساکر*. دمشق: دارالفکر.
- ابن هشام، عبدالملک (۱۳۷۵ ق). *السیره النبویه*. تحقیق مصطفی سقا و دیگران، قاهره: مطبعة مصطفى البابي حلبی.
- احمدی میانجی، علی (۱۳۷۹). *مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله و سلم*. قم: انتشارات دارالحديث.
- اسکیدمور، ویلیام (۱۳۷۲). *تفکر نظری در جامعه‌شناسی*. ترجمه جمعی از مترجمان، تهران: سفیر.
- امام علی (۱۳۸۰). *نهج البلاغه*. ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ ق). *انساب الاشراف*. تحقیق سهیل زکار، بیروت: دارالفکر.
- بهرامی، روح الله (۱۳۸۵). *پیمان مواخات*. فصلنامه تاریخ اسلام، ۲ (۴)، ۲۴-۵.

- پیرو، آلن (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروجانی، تهران: انتشارات کیهان
- جعفریان، رسول (۱۳۸۵). حکمت انتخاب محل مسجدالنبی در مدینه. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی سیره شناختی پیامبر اعظم، به اهتمام اصغر منتظر القائم، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۶). تاریخ سیاسی اسلام؛ سیره رسول خدا. قم: نشر دلیل ما، چاپ پنجم.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۲). وفاق اجتماعی. فصلنامه علوم اجتماعی، ۳ (۰)، ۱۵-۲۸.
- https://jnoe.ut.ac.ir/article_15545.html
- چلبی، مسعود، تاجیک، محمدرضا، احمدی، حمید، مقصودی، مجتبی و قیصری، نوراله (۱۳۷۸). میزگرد: میزگرد وفاق اجتماعی (۲). فصلنامه مطالعات ملی، ۱ (۲ و ۳)، ۱۳-۵۸.
- <https://doi.org/10.22034/nrr.2024.60207.1273>
- حسینی، سید حسین (۱۳۸۷). پیامبر وحدت. تهران: نشر اطلاعات، چاپ دوم.
- حسینیان مقدم، حسین (۱۳۹۰). مناسبات مهاجرین و انصار در عصر نبوی «همدلی و رقابت‌ها». قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
- حمیدی، سعید (۱۴۰۲). سیاست‌گذاری محیط شهری پیامبر راهبردی کارآمد بر تحقق وفاق اجتماعی. فصلنامه دین‌پژوهی و کارآمدی، ۳ (۴)، ۲۱-۴۴.
- <https://doi.org/10.22034/nrr.2024.60207.1273>
- داداش نژاد، منصور (۱۳۸۵). بررسی نکات اساسی وفود در سیره نبوی. زیر نظر رسول جعفریان، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۰ ق). تاریخ الاسلام. تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی.
- زاجکانی، سودابه، ظریفیان، غلامرضا (۱۴۰۲). سنخ‌شناسی موضوعی پیمان‌نامه مدینه. فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، ۱۵ (۵۷)، ۱۱۳-۱۴۶.
- <https://doi.org/10.22286713.1402.15.57.4.9>
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۱). تاریخ تحلیلی اسلام. قم: انجمن معارف اسلامی.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۸). تاریخ صدر اسلام. تهران: انتشارات سمت.

- سمهودی، علی بن عبدالله (۲۰۰۶). وفاء الوفا بأخبار دار المصطفی. تحقیق خالد عبدالغنی محفوظ، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- صالحی امیری، رضا (۱۳۸۸). انسجام ملی و تنوع فرهنگی. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- صالحی شامی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴ ق). سبل الهدی و الرشاد. تحقیق عادل احمد عبدالموجود، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۹ ق). تاریخ الطبری. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- فراتی، عبدالوهاب (۱۳۹۰). درسنامه سیره سیاسی نبوی (مبانی، حکومت و رفتار سیاسی). تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- فیرحی، داود (۱۳۸۶). تاریخ تحول دولت در اسلام. قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- گولد، جولوس و کلب، ویلیام (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر پرهام و دیگران، تهران: نشر مازیار.
- محمدی، رمضان، حسینیان مقدم، حسین و داداش نژاد، منصور (۱۳۹۸). تاریخ اسلام ۱؛ سیره رسول خدا. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مکی، محمد شوقی بن ابراهیم (۱۳۷۵). اطلس مدینه منوره. ترجمه پرویز اذکایی، تهران: انتشارات مشعر.
- منتظر القائم، اصغر (۱۳۸۶). تاریخ اسلام (از آغاز تا سال چهارم هجری). اصفهان و تهران: انتشارات دانشگاه اصفهان و سمت، چاپ دوم.